

دکتر رابرت ای. پترسون، روح القدس و اتحاد با مسیح، جلسه ۱۰، مبانی اتحاد با مسیح، انجیل یوحنا ۱ و ۴ و ۱۵

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر رابرت پترسون در تدریس خود در مورد روح القدس و اتحاد با مسیح است. این جلسه 10، مبانی اتحاد با مسیح، انجیل یوحنا، یوحنا 14 و 15 است.

ما مطالعه خود را در مورد اتحاد با مسیح در انجیل چهارم با سکونت متقابل در یوحنا 14، به طور خاص سکونت متقابل پدر و پسر و سکونت متقابل پدر و پسر و مؤمنان ادامه می‌دهیم.

در یوحنا ۸:۱۴ تا ۱۱، و سپس در آیات ۲۰ و ۲۳. آیات بسیار زیبا هستند، و من از ۱۴ شروع می‌کنم. اول دل‌هایتان، دل‌هایتان مضطرب نباشد.

به خدا ایمان داشته باشید و به من ایمان داشته باشید. در خانه پدر من اتاق‌های زیادی وجود دارد. اگر چنین نبود، آیا به شما می‌گفتم که می‌روم تا مکانی برای شما آماده کنم؟ و اگر بروم و مکانی برای شما آماده کنم دوباره می‌آیم و شما را نزد خود می‌برم، تا جایی که من هستم، شما نیز باشید.

و شما راه جایی را که من می‌روم می‌دانید. توماس به او گفت: «ای خداوند، ما نمی‌دانیم کجا می‌روی. چگونه می‌توانیم راه را بدانیم؟» «عیسی به او گفت: «من راه و راستی و حیات هستم».

هیچ کس جز به وسیله‌ی من نزد پدر نمی‌آید. اگر مرا می‌شناختید، پدر مرا نیز می‌شناختید. از این پس او را خواهید شناخت و او را دیده‌اید.

فیلیپ به او گفت: «خداوند، پدر را به ما نشان بده، و همین برای ما کافی است.» «عیسی به او گفت: «ای فیلیپ، آیا این همه مدت با شما بوده‌ام و تو هنوز مرا نشناخته‌ای؟» «هر که مرا دیده، پدر را دیده است چگونه می‌توانی بگویی پدر را به ما نشان بده؟ آیا باور نداری که من در پدر هستم و پدر در من است؟ سخنانی که به تو می‌گویم این است که از خودم نمی‌گویم، بلکه پدری که در من ساکن است، کارهای خود را انجام می‌دهد.»

پدر هستم و پدر در من است، وگرنه به خاطر خود اعمال ایمان بیاورید. عیسی با تشویق شاگردان به ایمان به خود، آنها را تسلی می‌دهد. او به آنها از رفتن خود می‌گوید تا برای آنها در خانه آسمانی پدر جایی آماده کند.

به عبارت دیگر، او می‌خواهد آنها بدانند که به پدر تعلق دارند. پدر آنها را به حضور خود خواهد پذیرفت و عیسی قول می‌دهد که برای آنها باز خواهد گشت. همه اینها آیات یک تا سه است.

او همچنین به آنها می‌گوید که راه خانه پدر را می‌دانند. آنها جاده، راه، به خانه پدر در آسمان را می‌دانند، آیه چهارم. توماس اعتراض می‌کند، آیه پنجم، و سپس عیسی در آیه معروف ۱۴:۶ می‌گوید، من راه و حقیقت و حیات هستم.

این یکی از هفت عبارت «من هستم» یوحنا است. در این عبارات، عیسی می‌گوید «من هستم» و از کلمه و سپس از حالت فاعلی استفاده می‌کند. هفت عبارت «من هستم» مختلف «the» حرف تعریف «the» وجود دارد، اما نه هفت معنی متفاوت.

سه معنی مختلف وجود دارد، و عیسی این سه معنی را در این آیه خلاصه می‌کند، در صورتی که معانی جاهای دیگر را از دست بدهیم. من راه هستم، و من جاده به سوی خانه آسمانی پدر هستم. این یعنی او تنها منجی جهان است.

اولی، یک اولی دیگر که می‌گوییم، همین معنا را می‌دهد، اما نه در تصویری آسمانی، بلکه در تصویری زمینی جایی که عیسی در یوحنا ۱۰ می‌گوید، او دروازه ورود به آغل گوسفندان است. این یعنی او تنها منجی است. او تنها راه ورود به قوم خدا است، تنها منجی.

من راه هستم، من حقیقت هستم. عیسی آشکارکننده‌ی خداست، یکی از دو مضمون اصلی انجیل یوحنا، در کنار این واقعیت که او حیات‌بخش است، و این همان چیزی است که «من حیات هستم» به آن معناست، اما من حقیقت هستم. من آشکارکننده‌ی خدا هستم.

ما آن را در یوحنا ۹ می‌بینیم، جایی که عیسی این کار را انجام می‌دهد، با شفا دادن یک مرد نابینا آن را نشان می‌دهد، و سپس عیسی با گفتن اینکه من نور جهان هستم، آن را ادعا می‌کند. عیسی راه است، تنها نجات‌دهنده. او حقیقت است، آشکارکننده خداست.

او حیات است. این معنای بیشتر عبارات «من هستم» است. یعنی او بخشنده‌ی حیات جاودان است.

ما آن را در تصویر چوپان خوب می‌بینیم. من چوپان خوب هستم. من به گوسفندانم حیات جاودان می‌دهم.

آنها هرگز هلاک نخواهند شد. و البته، ما این را در شفاهای اولیه می‌بینیم. او به بدن‌ها حیات می‌بخشد، و غیره، و مهمتر از آن، او به قوم خود حیات جاودان می‌دهد، و شما آن را به طور برجسته در فصل ۱۱ می‌بینید، جایی که می‌گوید، من رستاخیز و حیات هستم، و او این را با زنده کردن دوستش ایلعازر از قبر ثابت می‌کند.

یوحنا ۱۴:۶ یکی از هفت گفته‌ی «من هستم» است که معانی هر هفت گفته را خلاصه می‌کند. فیلیپ درخواست تجلی الهی می‌کند. عیسی تنها راه به سوی خانه‌ی آسمانی پدر، تنها منجی است.

پدر را می‌شناختند. در واقع، از این پس، شما او را خواهید شناخت و او را دیده‌اید - آیه هفت.

در این هنگام، فیلیپ درخواست تجلی الهی کرد - آیه هشتم. عیسی که دل‌سرد شده بود، در آیات نه تا یازده پاسخ می‌دهد.

آیا این همه مدت با شما بوده‌ام و هنوز مرا نشناخته‌ای، فیلیپ؟ هر که مرا دیده، پدر را دیده است. چگونه می‌توانی بگویی پدر را به ما نشان بده؟ آیا باور نمی‌کنی که من در پدر هستم و پدر در من است؟ سخنانی که به شما می‌گویم این است که از خودم نمی‌گویم، بلکه پدری که در من ساکن است، اعمال خود را انجام می‌دهد. به من ایمان بیاورید که من در پدر هستم و پدر در من است، وگرنه به خاطر خود اعمال ایمان می‌آورید.

عیسی از این ناراحت است که بعد از این همه مدت، فیلیپ، که از طرف شاگردان صحبت می‌کند - ما نباید خیلی به فیلیپ سخت بگیریم - هنوز نمی‌فهمد که دیدن پسر، دیدن پدر است. دلیلش این است که پسر وحی‌کننده‌ی خداست. اما دلیل عمیق‌تری هم وجود دارد.

آیه ۱۰. من در پدر هستم و پدر در من است. یک بار دیگر، عیسی از سکونت متقابل پدر و پسر در یکدیگر صحبت می‌کند.

شاگردان به تجلی خدای نامرئی، ظهور مرئی خدایی که روح است و نامرئی، نیازی ندارند. به نظر من، تجلیات الهی، که خود کلمه از آن به معنای مرئی بودن یاد می‌کند، می‌تواند حواس دیگر را نیز درگیر کند، مثلاً شنیدن خدا، اما این همان چیزی است که به آن گفته می‌شود، و بینایی قطعاً در آن ظهورهای خدا در کتاب مقدس مورد تأکید قرار گرفته است. اگرچه صدا و کلام نیز وجود دارند.

به هر حال، آنها به یک تئوفانی (تجلی خدا) نیاز ندارند. آنها پسر مجسم را می‌بینند. آنها تجسم را تجربه کرده‌اند.

آنها نیازی به ظاهری مرئی که ناپدید می‌شود ندارند. آنها تجسم دائمی پسر ابدی را در عیسی دارند. از آنجایی که او و پدر متقابلاً در ذات یکدیگرند، دیدن پسر، دیدن پدر است.

فقط تجسم پسر است که او را قادر به دیده شدن می‌کند. یعنی پدر. ببخشید.

تنها تجسم پسر است که پسر را قادر به دیدن می‌کند، و با دیدن پسر، آنها خدای نادیده را که مرئی شده است، می‌بینند. پولس از اصطلاحات مختلفی استفاده می‌کند، اما چیزی شبیه به آن می‌گوید. مسیح تصویر خدای نادیده است.

کولسیان ۱:۱۵ و عبرانیان ۱:۳، مسیح... پسر، من باید این چیزها را از بر باشم. عبرانیان ۱:۳، درخشش جلال خدا و اثر دقیق ذات او. من با نویسنده عبرانیان موافقم؛ فقط خدا با اطمینان می‌داند که او کیست، از این دو تصویر برای بیان سه حقیقت استفاده می‌کند.

در متن عبرانیان ۱، حقیقت اصلی این است که پسر واسطه نهایی خداست. او از واسطه‌های عهد عتیق، یعنی پیامبران و فرشتگانی که در اعطای شریعت نقش داشتند، پیشی می‌گیرد زیرا خود او خداست. یک تصویر از نگاه کردن به آسمان به خورشید و پسر، خورشید، درخشش، درخشندگی، درخشش جلال خداست که به صورت خورشید تصویر شده است، و سپس تصویری از دنیای ضرب سکه.

خورشید دقیقاً همان نقش است، اگر بخواهید، او سکه‌ای از ذات خداست که همان رنگ است. نکته اصلی در این زمینه: پرتو، خورشید را آشکار می‌کند، که نامرئی است زیرا نمی‌توانید به آن خیره شوید؛ شبکه چشم خود را خواهید سوزاند. مردم باستان احتمالاً تعداد کمی از آنها را به سختی درک می‌کردند و بقیه گوش می‌دادند. خورشید سکه‌ای است که نقش رنگ را دارد، که حاوی فلز چکش‌خوار است و با چکش کوبیده می‌شود، بنابراین یک رنگ دناریوس یک دناریوس تولید می‌کند.

در متن، خورشید واسطه و آشکارکننده‌ی خداست و از واسطه‌های وحی عهد عتیق، پیامبران و فرشتگان پیشی می‌گیرد؛ عبرانیان ۱:۱ تا در واقع ۲:۴ مصداق عبرانیان ۱ است. اما در کنار ایده‌ی اصلی خورشید که پدر را آشکار می‌کند و واسطه‌ی وحی است، دو ایده‌ی دیگر نیز وجود دارد. ایده‌ی اول، برابری بین خورشید و پدر است. پرتو، خورشید است که در فضا امتداد یافته و سکه‌ی دینار چیزی است که در رنگ قرار داده می‌شود و قابل مشاهده می‌شود.

، بنابراین، ایده اصلی وحی، ایده ثانویه، الوهیت مسیح، و شباهت پدر و پسر. ایده سوم، تبعیت است. پرتو خورشیدی است که به فضا فرستاده شده است، نه خورشید نامرئی که مستقیماً به آن نگاه می‌کند.

به همین ترتیب، دینار، رنگ نیست؛ بلکه از رنگ می‌آید. بنابراین، بین آموزه‌های یوحنا و پولس همپوشانی وجود دارد. وقتی پولس می‌گوید مسیح تصویر خدای نادیده است، منظورش در تجسم، عیسی تجلی قابل مشاهده‌ی خدا، پدر، است که روحی نامرئی است.

و باز هم، عبرانیان ۱:۳، با تصاویر مختلف، همان حقیقت را بیان می‌کند. تنها تجسم خورشید است که او را قادر به دیده شدن می‌کند، و با دیدن خورشید، خدای نامرئی را که مرئی شده است، می‌بینند. بنابراین، عیسی می‌تواند در یوحنا ۱۰:۱۴ بگوید، پدری که در او ساکن است، کارهای پدر را انجام می‌دهد.

شاگردان از سکونت متقابل با پسر لذت خواهند برد. عیسی قول می‌دهد که از پدر بخواهد روح حقیقت را برای پیروانش بفرستد. او با آنها ساکن خواهد شد و در آنها خواهد بود.

آیات ۱۶ و ۱۷. من از پدر خواهم خواست و او یآوری دیگر به شما خواهد داد که همیشه با شما باشد. یعنی روح راستی که جهان نمی‌تواند او را بپذیرد زیرا نه او را می‌بیند و نه می‌شناسد، شما او را می‌شناسید زیرا او با شما می‌ماند و در شما خواهد بود.

آیه ۱۸، شما را یتیم نمی‌گذارم، نزد شما خواهم آمد. آنها پسر رستخیز یافته را خواهند دید و به خاطر رستخیز او، آنها نیز حیات رستخیز را تجربه خواهند کرد. چون من زنده‌ام، آیه ۱۹، شما نیز خواهید زیست.

آنها مسیح رستخیز یافته را خواهند دید و به دلیل رستخیز او، آنها نیز حیات رستخیزی را تجربه خواهند کرد. اکنون در تجدید حیات، و در پایان عصر، در رستخیز از قبر به حیات جاودان در زمین جدید. سپس، عیسی می‌گوید، در آن روز خواهید دانست که من در پدر هستم و شما در من هستید و من در شما هستم. آیه ۲۰.

در آن روز، خواهید دانست که من در پدر هستم، و تو در من، و من در تو. در اینجا برای اولین بار، مؤمنان در میراث مشترک الهی گرفتار شده‌اند. میراث مشترک.

پس از رستخیز عیسی، پیروانش خواهند فهمید که او در پدر ساکن است، یعنی اینکه عیسی الهی است. آنها همچنین به یک نتیجه‌ی شگفت‌انگیز خواهند رسید. آنها در مسیح هستند و او در آنهاست.

اصطلاح «هم‌زیستی پری‌کورسیس» که تاکنون منحصرأً برای اشخاص الوهیت، یعنی یوحنا ۶ و یوحنا ۱۰، به کار می‌رفت، اکنون شامل شاگردانی نیز می‌شود که از نوعی همزیستی متقابل با پسر بهره‌مند خواهند شد. من می‌گویم نوعی همزیستی متقابل، زیرا از یک سو، شخص تثلیثی که در زندگی الهی سهیم است، تنها متعلق به آنهاست. با این حال، در سطحی دیگر، مؤمنان با پسر و با پدر و روح‌القدس وارد همزیستی می‌شوند و اکنون این کار را با ایمان به خداوند عیسی قیام کرده انجام می‌دهند.

شاگردان در پسری خواهند بود که از نظر معنوی با او در اتحاد با مسیح زنده متحد است و او در سکونت در آنها به روح حقیقت خواهد پیوست. آیات ۱۷ و ۲۰. پدر و پسر خانه خود را با مسیحیان خواهند ساخت.

این یک متن نادیده گرفته شده، شگفت‌انگیز، گرم و شگفت‌انگیز در انجیل یوحنا است. یهودا، و چقدر این یهودا خوشحال می‌شود وقتی چنین کلماتی به دنبال آن می‌آیند. یهودا، نه اسخریوطی، به او گفت: «خداوند! چگونه است که خود را به ما آشکار می‌کنی و نه به جهان؟ ما همه این ماجرای حاکمیت را نمی‌فهمیم.»

عیسی به او پاسخ داد: «اگر کسی مرا دوست داشته باشد، کلام مرا نگاه خواهد داشت و پدرم او را دوست خواهد داشت و ما نزد او خواهیم آمد و با او مسکن خواهیم گزید. هر که مرا دوست ندارد، کلام مرا نگاه نمی‌دارد و کلامی که می‌شنوید از من نیست، بلکه از پدری است که مرا فرستاده است.» سپس البته در مورد روح القدس صحبت می‌کند.

آندریاس کوستنبرگر، که تفسیر مفیدی بر انجیل یوحنا نوشته است، نوشت، این تنها جایی در عهد جدید است که گفته می‌شود پدر و پسر هر دو در مؤمنان ساکن هستند. وقتی عیسی از دنیا می‌رود، شاگردانش را یتیم نخواهد گذاشت. او روح را برای آنها خواهد فرستاد، که او را خواهند شناخت، که در آنها ساکن خواهد شد و در آنها خواهد بود، آیات ۱۶ تا ۱۸.

علاوه بر این، او آنها را بی‌خانمان نخواهد گذاشت. تصویرسازی را از دست ندهید. آیات یک تا سه، او به خانه آسمانی پدر می‌رود تا مکانی برای آنها آماده کند، اگر بخواهید، اتاقی در عمارت آسمانی، اما تصویر خانه بازگردانده می‌شود.

او اینجا به آن برمی‌گردد. آنها بی‌خانمان نخواهند بود. در عوض، پدر و پسر خواهند آمد تا خانه خود را با مؤمنان بسازند.

سپس عیسی از این شخصیت خودمانی، اگر بتوانم آن را چنین بنامم، برای تقویت آموزه‌هایش در مورد اتحاد، استفاده می‌کند. وقتی عیسی به سوی پدر عروج کند، هر دوی آنها در قوم خدا ساکن خواهند شد تا مؤمنان، به قول لئون موریس، حضور بی‌واسطه الوهیت را تجربه کنند. این را در انجیل یوحنا خود گفته است.

،وظیفه پولس این خواهد بود که بر ارواح ساکن در قوم خدا، چه به صورت جمعی و چه به صورت فردی، تأکید کند. یوحنا ۱۵، چهارمین بخش ما در انجیل یوحنا، به اتحاد با مسیح می‌پردازد. عیسی، تاک، مؤمنان، شاخه‌ها.

یوحنا ۱۵، ۱ تا ۱۷. ما می‌خواهیم کل ماجرا را در نظر داشته باشیم. من تاک حقیقی هستم و پدر من باغبان است.

هر شاخه‌ای در من که میوه نیاورد، آن را می‌برد و هر شاخه‌ای که میوه دهد، آن را هرس می‌کند تا میوه بیشتری بیاورد. شما اکنون به خاطر سخنانی که به شما گفته‌ام پاک هستید. در من بمانید و من در شما

همانطور که شاخه نمی‌تواند به خودی خود میوه دهد مگر اینکه در تاک بماند، شما نیز نمی‌توانید میوه دهید مگر اینکه در من بمانید. من تاک هستم و شما شاخه‌ها. هر که در من بماند و من در او، اوست که میوه فراوان می‌دهد، زیرا جدا از من، شما نمی‌توانید کاری انجام دهید.

اگر کسی در من نماند، مانند شاخه‌ای دور انداخته می‌شود و می‌خشکد، و شاخه‌ها را جمع می‌کنند، در آتش می‌اندازند و می‌سوزانند. اگر در من بمانید و سخنان من در شما بماند، هر چه می‌خواهید درخواست کنید و برای شما انجام خواهد شد. جلال پدر من از این است که شما میوه فراوان بیاورید و شاگردان من باشید.

همانطور که پدر مرا دوست داشته است، من نیز شما را دوست داشته‌ام. در عشق من بمانید. اگر احکام مرا نگه دارید، در عشق من خواهید ماند، همانطور که من احکام پدرم را نگه داشته‌ام و در عشق او می‌مانم.

این چیزهایی که به شما گفتم، باشد که شادی من در شما باشد و شادی شما کامل گردد. این حکم من است که یکدیگر را دوست بدارید، همانطور که من شما را دوست داشته‌ام. محبتی بزرگتر از این وجود ندارد که کسی جان خود را برای دوستانش فدا کند.

شما دوستان من هستید اگر آنچه به شما فرمان می‌دهم انجام دهید. دیگر شما را بنده نمی‌خوانم، زیرا بنده نمی‌داند اربابش چه می‌کند، بلکه من شما را دوست می‌خوانم، زیرا هر آنچه از پدر شنیده‌ام به شما گفته‌ام. شما مرا برگزیده‌اید، بلکه من شما را برگزیده‌ام و شما را مقرر کرده‌ام تا بروید و میوه بیاورید و میوه شما بماند. تا هر چه از پدر به نام من بخواهید، به شما عطا کند.

این چیزها را به شما حکم می‌کنم که یکدیگر را دوست بدارید. اگر دنیا از شما نفرت دارد، بدانید که اول از من نفرت داشته است، زیرا پیش از شما از من نفرت داشته است. اگر از دنیا هستید، دنیا شما را چون خاصان خود دوست خواهد داشت، اما چون از دنیا نیستید، بلکه من شما را از دنیا برگزیده‌ام، از این رو دنیا از شما نفرت دارد.

البته من آن را تا آیه ۱۹ ادامه دادم. کلمه «ماندگار» ۱۱ بار در این آیات آمده است. این باورنکردنی است.

و بسیاری از این کاربردها مربوط به سکونت متقابل مؤمنان در مسیح است. عیسی، تاک حقیقی. تصویر عهد عتیق از اسرائیل به عنوان تاکستان خداوند، در مقایسه با اشعیا ۵: ۱ تا ۷، به همراه بسیاری از متون دیگر. زمینه‌ساز این امر است.

گاهی اوقات، اسرائیل تاک نامیده می‌شود. عیسی خود را به عنوان تکمیل اسرائیل معرفی می‌کند. عیسی تاک حقیقی، تکمیل اسرائیل عهد عتیق است.

در حالی که اسرائیل شکست خورد، او موفق شد. پدر، باغبان است. او مدیر مأموریت پسر است و این عبارت به هماهنگی بین پدر و پسر اشاره دارد.

عیسی دو نوع شاخه را در خود به تصویر می‌کشد. این از نظر فنی هنوز اتحاد با مسیح نیست. این بخشی از تصویر شراب‌سازی است.

اولی میوه نمی‌دهد، بنابراین پدر آن را از تاک جدا می‌کند. نوع دوم شاخه میوه می‌دهد، بنابراین پدر آن را هرس می‌کند تا پربارتر شود، به دو دلیل خوب. در واقع، بیش از دو شاخه، اما فعلاً فقط دو شاخه کافی است.

به دو دلیل خوب، این به معنای از دست دادن نجات نیست. اول، در سراسر کتاب مقدس، اگرچه قوم خدا درجات مختلفی از ثمربخشی را نشان می‌دهند، متی ۲۳: ۱۳، ۳۰ برابر، ۶۰ برابر و ۱۰۰ برابر، اما پی‌ثمری به معنای فقدان حیات الهی است. متی ۷: ۱۶ و ۱۹، هیچ میوه‌ای نشان دهنده‌ی هیچ حیاتی نیست.

باز هم می‌گوییم، در تمثیل خاک‌ها، درجات مختلفی از ثمردهی برای قوم خدا وجود دارد. برخی به لطف و کار خدا از دیگران ثمربخش‌تر هستند. با این وجود، متی ۱۷: ۷، هر درخت سالم میوه خوب می‌دهد، اما درخت بیمار میوه بد می‌دهد.

درخت سالم نمی‌تواند میوه بد بدهد، و نه درخت بیمار می‌تواند میوه خوب بدهد. هر درختی که میوه خوب ندهد، بریده و در آتش افکنده می‌شود. این تصویری از داوری است.

بنابراین، شما آنها را از میوه‌هایشان خواهید شناخت. برای مسیحیان درجاتی از ثمربخشی وجود دارد، اما نداشتن میوه، به نظر من به عنوان یک کشیش، نشانه بسیار بدی است. از دیدگاه خدا، نداشتن میوه، که همان چیزی است که عیسی در اینجا نشان می‌دهد، به معنای نبود رستگاری و نبود زندگی است.

زندگی در ثمردهی خود را نشان می‌دهد. دوم، در آیه ۸، ثمر آوردن، گواهی بر شاگردی است. با این، پدر من جلال می‌یابد که شما میوه فراوان می‌آورید و بدین ترتیب ثابت می‌کنید که شاگرد من هستید.

نکته این است که اگر میوه‌ای نیاورند، ثابت می‌کنند که شاگرد او نیستند. میوه دادن، گواهی بر شاگردی اوست و هیچ میوه‌ای، کسی را که هرگز به شیوه‌ای حیات‌بخش به تاک متصل نبوده، لو نمی‌دهد. بله، در این تصویر، آنها به دلیل ماهیت تصویر به تاک متصل هستند.

شاخه پی‌ثمیری که بلافاصله در نظر گرفته می‌شود، یهودای اسخریوطی است. او با الهام از شیطان، به عیسی خیانت کرد، یوحنا ۱۳:۲۷-۳۰. عیسی شاگردان دیگر خود را فریب داد، یوحنا ۱۳:۲۹

آنها حتی وقتی او برای خیانت به عیسی رفت، به او مشکوک نشدند، اما او عیسی را فریب نداد، یوحنا ۶:۶۴. آیا من شما ۱۲ نفر را برنگزیدم، و یکی از شما شیطان است؟ او از ابتدا می‌دانست چه کسی به او ۷۰-۷۱ ایمان نخواهد آورد. بودن شاخه پی‌ثمر در تاک، ۱۵:۲، ارتباط نزدیکی با عیسی را نشان می‌دهد، اگرچه این مربوط به مرتدان آینده، به ویژه یهودا است که کیسه پول به او سپرده شده بود اما غیرقابل اعتماد بود.

هیچ راهی وجود ندارد که شاگردان دیگر می‌دانستند یهودا غیرقابل اعتماد، در نهایت غیرقابل اعتماد و در نهایت خائن است. متی قبلاً مأمور مالیات بود. متی با علم به اینکه یهودا دزد است، حاضر بود دیوانه شود یا او را بکشد تا کیسه پول را به او بدهد.

نه. طبق آیه ۱۲:۶، او از پولی که به عیسی و شاگردانش داده می‌شد، خرج خودش را درمی‌آورد. چه کلاهبردار

این یک زمان ناقص است که عمل عادی او، عمل مداوم او را نشان می‌دهد. در ۱۳:۲، شیطان خیانت را تحریک می‌کند. این تصادفی نیست که شیطان به زندگی یهودا نفوذ کرد و به زندگی دیگر شاگردان نفوذ نکرد.

در باب ۲۱، او به نزد عیسی می‌آید تا به او خیانت کند. در باب ۱۳: ۱۳-۲۱، در باب‌های ۲۶-۳۰، او می‌رود تا آن عمل زشت را انجام دهد. فکر می‌کنم اشتباه گفتم.

در ۱۳:۲۱، عیسی می‌گوید، یکی از شما به من خیانت خواهد کرد. او خیانت را اعلام کرد. خیانتکار در حضور است.

جایی است که شیطان به درون او نفوذ می‌کند و یهودا برای خیانت به خداوند می‌رود. سکونت ۳۰-۲۶. متقابل عیسی و شاگردان. کلام پاک‌کننده‌ی عیسی، آن یازده نفر را پاک کرده است.

حالا او به آنها می‌گوید، آیه ۴، در من بمانید و من در شما. همانطور که شاخه‌ای نمی‌تواند به خودی خود میوه دهد مگر اینکه در تاک بماند، شما نیز نمی‌توانید میوه دهید مگر اینکه در من بمانید. همانطور که شاخه‌ای که از تاک جدا می‌شود پی‌ثمر است، همانطور که عیسی گفت، شما نمی‌توانید جدا از من کاری انجام

دهید، آیه ۵. شاخه‌های کاذب بریده می‌شوند و به آتش جهنم انداخته می‌شوند، آیه ۶. ماندن در عیسی به چه معناست؟ در اینجا مکان‌هایی که این اتفاق می‌افتد، آمده است.

آیه ۴، در من بمانید و من در شما. همانطور که شاخه نمی‌تواند به خودی خود میوه دهد مگر اینکه در تاک بماند، شما نیز نمی‌توانید میوه دهید مگر اینکه در من بمانید، آیه ۴. هر که در من بماند و من در او، اوست که میوه بسیار می‌دهد، آیه ۵. اگر کسی در من نماند، آیه ۶، اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند، هر چه می‌خواهید بخواهید، برای شما انجام خواهد شد. همانطور که پدر مرا دوست داشته است، من نیز او را دوست داشته‌ام.

در عشق من بمانید، آیه ۹. اگر احکام مرا ننگه دارید، در عشق من خواهید ماند، همانطور که من احکام پدرم را ننگه داشته‌ام و در عشق او می‌مانم. شما مرا برگزیده‌اید، بلکه من شما را برگزیده‌ام و شما را مقرر کرده‌ام که بروید و میوه بیاورید و میوه شما بماند. در آیه ۹، به نظر می‌رسد که کلید، کلید من است.

در آیه ۹ از باب ۱۵ یوحنا، عیسی به طور ضمنی به معنای ماندن در او اشاره می‌کند. ماندن در او به معنای ماندن در عشق او، ادامه دادن به رفاقت با او، دوست داشتن و البته اطاعت از اوست، همانطور که او از پدر اطاعت می‌کند. بی‌زلی موری تفسیری بر یوحنا نوشت و نوشت، جورج بی‌زلی موری، نقل قول، ماندن در عیسی به معنای ماندن در عشق اوست، همانطور که در طول این زندگی، عیسی در عشق پدر ماند، نقل قول نزدیک.

عیسی در این متن به سکونت متقابل پدر و پسر در یکدیگر اشاره نمی‌کند. ظاهراً هدف یوحنا ارائه یک الهیات کامل و سیستماتیک در هر باب از انجیلش نبوده است. من دارم شوخی می‌کنم.

این هدف کتاب مقدس نیست. این یک داستان را روایت می‌کند. با این وجود، دوم تیموتائوس ۳، ۱۶، ۱۷ به ما می‌گوید که تمام کتاب مقدس توسط خدا داده شده و برای اولین چیزی که ذکر شده، یعنی تعلیم، مفید است.

این با الهیات برگرفته از کتاب مقدس سازگار است، اما ما باید با دقت بیشتری آن را انجام دهیم. در عوض عیسی بر عشق متقابل خود و مؤمنان تمرکز می‌کند. در من بمانید و من در شما، آیه ۴. عشق متقابل با ایده سکونت متقابل همپوشانی دارد.

ماندن در مسیح، بودن در اوست، اما چیزی فراتر از آن است. همپوشانی وجود دارد، اما این همپوشانی است. ماندن حلقه‌ی بزرگ‌تری است که در مسیح بودن زیرمجموعه‌ی آن است. بنابراین ماندن به معنای بودن در [مسیح] است، اما بودن در [مسیح] لزوماً به معنای ماندن نیست.

اما ماندن چیزی بیش از صرفاً بودن در درون است. به معنای دوست داشتن اوست. به همین ترتیب، ماندن او در ما به معنای ادامه دوست داشتن ماست.

بنابراین، «ماندن» مفهومی عهدی است که از عشق مداوم پسر به قومش و عشق مداوم آنها به او سخن می‌گوید. همانند بسیاری از تصاویر اتحاد با مسیح، این تصویر هم جمعی و هم فردی است. آیه ۵: من تاک هستم، شما شاخه‌ها، جمعی.

هر که در من بماند و من در او، اوست که میوه بسیار می‌آورد، و همینطور مفرد. هر دو درست هستند. میوه چیست؟ نتایج این ماندن متقابل به صورت میوه مطابق با تصویر تاک و شاخه‌ها و انگورها ارائه شده است.

اطاعت از فرامین عیسی، آیه ۱۰، یکی از این ثمرات است. محبت به دیگر مؤمنان، آیه ۱۲ تا ۱۴، ثمره دیگری است. همچنین، شادی بزرگی که از ادامه یک رابطه شخصی گرم با عیسی حاصل می‌شود، آیه ۱۱

اگرچه تأکید مکرر یوحنا ۱۵ بر پاسخ و اطاعت شاگردان به عنوان حافظان عهد است، اما حاکمیت الهی از قلم نیفتاده است. بدون شک تأکید بر مسئولیت انسانی است. اما آیات ۱۶ و ۱۹ شامل اشاره‌ای به حاکمیت است.

عهد آنها، خداوند عیسی، آنها را برگزید و مقدر کرد تا میوه بیاورند و میوه آنها باقی بماند. او نتیجه دیگری از میوه آوردن را نیز اضافه کرد که همان اجابت دعا بود. می‌توانم بگویم آنچه مرا به این سمت سوق می‌دهد که یوحنا ۱۵:۱۶ را به عنوان نمونه‌ای از انتخاب شاگردان نه فقط برای خدمت، بلکه برای نجات واقعی ببینم، آیه ۱۹ است.

اگر به دنیا تعلق داشتی، دنیا تو را چون اهل خود دوست می‌داشت، اما تو از دنیا نیستی، بلکه من تو را از دنیا برگزیده‌ام. بنابراین، دنیا از تو متنفر است. همانطور که دان کارسون در کتاب خود «حاکمیت الهی و مسئولیت انسانی» نشان می‌دهد، هدف دیدگاه کتاب مقدس در انجیل یوحنا، بیانی منحصر به فرد در کتاب مقدس است که عیسی خالق برگزیدگی است.

سکونت متقابل پدر و پسر و پسر و مؤمنان در یوحنا ۱۷:۲۰ تا ۲۶. این موضوع بعدی ماست و خوب است که در سخنرانی بعدی خود به این موضوع بپردازیم. متشکرم.

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد روح القدس و اتحاد با مسیح است. این جلسه 10، مبانی اتحاد با مسیح، انجیل یوحنا، یوحنا 14 و 15 است.